

## چهار نوع نوشتن

دوستان عزیز، از سر لطف، طی ماه‌های اخیر درباره نحوه قلم زدن و نگارش و چگونگی خواندن کتاب‌هایم از من پرسیده و نظرم را جویا شده‌اند. در مقام پاسخ می‌توانم بگویم؛ چنانکه درمی‌یابم، چهار نوع نوشته دارم و طی پانزده سال اخیر در ژانرهای مختلفی طبع آزمایی کرده‌ام. نوع نخست، آثار قلمی فلسفی‌ام است؛ کتاب‌هایی نظیر «سکوت و معنا»، «امر اخلاقی، امر متعالی»، «درسگفتارهایی در فلسفه اخلاق»، «عام و خاص در اخلاق»، «زبان و تصویر جهان»، «ترجمه و شرح رساله منطقی - فلسفی» و «در باب فلسفه تحلیلی: با محوریت ویتگنشتاین». «غربت و غرابت اسپینوزا» که حدوداً تا دو ماه دیگر منتشر می‌شود نیز متعلق به همین دست نوشته‌هاست. مخاطب این آثار، فلسفه پژوهان و علاقه‌مندان به مباحث فلسفی‌اند.

نوع دوم، آثار نوشتاری‌ام در حوزه دین‌پژوهی، نواندیشی دینی و روشنفکری است؛ کتاب‌های «آئین در آئینه»، «در باب روشنفکری دینی و اخلاق»، «ترنم موزون حزن»، «حجاب در ترازو»، «ورق روشن وقت» و اثر دو جلدی «صدای سفر آینه‌ها» از این دسته‌اند. مخاطب این آثار، علاقه‌مندان به مباحث نواندیشی دینی، الاهیاتی و روشنفکری معاصر هستند.

سنخ سوم، آثار عرفانی - آگزیستانسیل - ادبی من است؛ نوشته‌هایم درباره رمان و سینما نیز در این گروه قرار می‌گیرند. کتاب‌های «در سپهر سپهری»، «فلسفه لاجوردی سپهری»، «حریم علف‌های قربت»، «آبی دریای بیکران» و «نبض خیس صبح» و فصلی از «ورق روشن وقت»، از این دست‌اند. خواننده این آثار، برخلاف آثار نوع اول و دوم، مخاطب عامی است که علایق و دل‌مشغولی‌هایی از این دست دارد و لزوماً پیشینه فلسفی - الاهیاتی ندارد.

نوع چهارم، آثار اجتماعی - روانشناختی - انتقادی من‌اند که در قالب نوشته‌هایی در برخی سایت‌ها، همچنین صفحه «فیس بوک» و کانال تلگرامی‌ام طی سالیان اخیر انتشار یافته‌اند. برخی از این نوشته‌ها در «ورق روشن وقت» گنجانده و منتشر شده‌اند. اگر تقدیر موافق تدبیر افتد، بنا دارم در آینده‌ای نه چندان دور، مجموعه‌ای از این نوشتارها را در قالب اثری مستقل منتشر کنم.

مکتوبات نوع اول و دوم، با پیشینه تربیتی و مدرسی‌ام تلائم زیادی دارد و از علایق پررنگ فلسفی، دین‌شناختی و روشنفکرانه‌ام طی دو دهه اخیر پرده بر می‌گیرد. سنخ سوم، با احوال وجودی و تلاطم‌ها و نوسان‌های آونگ آسا و زیر و زبر شدن‌هایم تناسب تامی دارد، به نحوی که برخی از اوقات، ترجمان زبانی احوالات و احساساتم را که در قالب الفاظ و عبارات ریخته می‌شود، مزه مزه می‌کنم و می‌چشم و می‌بویم. نوع چهارم هم از احوال و نگاه و دغدغه‌های یکی از اهالی قلم این دیار پرده برمی‌گیرد که تحولات پیرامون خویش را رصد می‌کند و با عنایت به پیشینه تربیتی و معرفتی‌اش، بدان‌ها می‌پردازد و سطوری چند می‌نویسد؛ که، «ما هیچ، ما نگاه».

امیدوارم توضیحات فوق، به کار عزیزانی که از سر محبت، در نوشته‌هایم به دیده عنایت می‌نگرند، بیاید و مبتنی بر آن بتوانند انتظار و تلقی خود از مکتوبات رنگارنگ و گوناگون‌ام را تنظیم کنند.